

تجزیه و تحلیل صورت های مالی تورمی مبتنی بر رویکردهای حسابداری مدیریت

آرزو جلیلی

استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات آیت ا... آملی، گروه حسابداری، آمل، ایران (مسئول مکاتبات)
Arezoo_jalili@yahoo.com

عزیزاله منتقمی

دانش آموخته کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آیت اله آملی

تاریخ دریافت: ۹۳/۸/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۰/۲۴

چکیده

یکی از اهداف اولیه حسابداری مدیریت، تأمین نیاز و خواست های اطلاعاتی استفاده کنندگان جهت کمک در اتخاذ تصمیم گیری های اقتصادی در ارتباط با واحد تجاری می باشد. اطلاعات حسابداری از جمله حسابداری مدیریت در تخصیص منابع اقتصادی و مالی نقش با اهمیتی دارد. یکی از مفروضات بدیهی تهیه صورتهای مالی «فرض ثبات واحد پولی» به عنوان معیار اندازه گیری فعالیت های اقتصادی است. در یک نظام مبتنی بر بهای تمام شده تاریخی، دارایی ها و بدهی ها به بهای تحصیل اندازه گیری می شود. اما با تغییر سطح عمومی قیمت ها به دلیل شرایط اقتصادی مانند تورم یا رکود یا تغییر در فن آوری، ارزش پول نیز به تناسب آن تغییر می کند، در نتیجه ارزش مبالغ گزارش شده در صورتهای مالی بر فرض ثابت بودن پول، قابل اتکاء نمی باشند. در حسابداری مبتنی بر سطح عمومی قیمت، می توان درآمدها و هزینه ها را به بهترین شیوه مقایسه نمود، زیرا از ریالهای یکسانی استفاده می شود.

پژوهش حاضر، تجزیه و تحلیل صورتهای مالی را در شرایط تورمی در چارچوب نسبت های مالی برای ۳۸ شرکت تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۱-۱۳۸۷ مورد بررسی قرار می دهد. با هدف بررسی آثار تورم بر نسبتهای مالی شرکتها، اقلام مندرج در ترازنامه و صورت سودوزیان شرکتهای نمونه برای ۵ سال مورد مطالعه قرار گرفت و ۱۲ نسبت مالی (۲۲۸۰ نسبت) برای تمامی شرکت ها از روی صورتهای مالی مبتنی بر اقلام تاریخی محاسبه گردید، سپس تمامی صورتهای مالی مذکور، بر حسب شاخص سطح عمومی قیمت ها (شاخص تورم)، تعدیل شدند و گروه دوم نسبت ها بر مبنای بهای تاریخی همگن محاسبه گردید. آزمون فرضیه های پژوهش از طریق آزمون مقایسه زوجی و آماره t صورت گرفت. یافته های پژوهش حاکی از این است که تورم تأثیر انکارناپذیری بر صورتهای مالی تهیه شده بر مبنای بهای تاریخی دارد چراکه تورم یکی از واقعیت هایی است که واحد اندازه گیری در حسابداری و بهای تمام شده تاریخی را به چالش می کشد. نتایج مقایسه دوگروه اقلام تاریخی و همگن نشان داد که بین نسبت های مالی محاسبه شده به بهای تاریخی شامل نسبتهای جاری، واریز بستانکاران، گردش غیرجاری، اهرمی، سرمایه، بازده سرمایه، بازده دارایی ها، سود عملیاتی و حاشیه سود خالص در مقایسه با نسبت های محاسبه شده از روی صورتهای مالی تعدیل شده، تفاوت معناداری وجود دارد. برای نسبت های سریع، گردش موجودی کالا و گردش جاری تفاوت معناداری مشاهده نگردید.

واژه های کلیدی: تجزیه و تحلیل صورتهای مالی، تورم، حسابداری تورمی، نسبت های مالی کلیدی.

۱- مقدمه

تهیه شوند، با توجه به وجود تورم بالا و به دلیل غیر واقعی بودن اقلام ترازنامه و صورت سودوزیان، تجزیه و تحلیل هایی که با استفاده از نسبتهای مختلف صورت می پذیرند به نحو چشمگیری دچار انحراف می شود. پرسش اصلی مطرح شده این است که در ۴ گروه نسبت های مالی شامل نقدینگی، مالی، فعالیت و سودآوری شرکتهایی که در اقتصادی با تورم بالا در حال فعالیت هستند در صورت بکارگیری ارزش های ثبت شده تاریخی، در مقایسه با ارزش های تاریخی همگن (انجام تعدیلات ناشی از تورم)، چه تفاوتی مشاهده می شود؟ با توجه به توضیحات فوق، این پژوهش، تجزیه و تحلیل صورتهای مالی تورمی را در چارچوب نسبت های مالی برای شرکت هایی که در محیط اقتصادی تورمی ایران در حال فعالیت هستند، مورد بررسی قرار می دهد تا گامی جهت تدارک اطلاعات لازم برای تصمیم گیری مدیران فراهم گردد.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

۲-۱- حسابداری مدیریت و نقش گزارشگری مالی در اقتصادهای تورمی

هدف حسابداری مدیریت ارائه اطلاعات مربوط، قابل اتکاء و صحیح برای مدیران و سایر استفاده کنندگان می باشد به نحوی که تمامی تصمیم گیرندگان را در جهت اتخاذ تصمیم و بهبود شرایط انتخاب، یاری رساند. تورم، یکی از واقعیت هایی است که واحد اندازه گیری در حسابداری و بهای تمام شده تاریخی را به چالش می کشد. در این رهگذر استاندارد بین المللی حسابداری شماره ۲۹، برای واحدهای تجاری که واحد پولی عملیاتی آنها، واحد پولی متعلق به اقتصاد با تورم حاد می باشد مطرح شده است. واحد پولی عملیاتی، واحد پولی متعلق به محیط اقتصادی اصلی است که واحد تجاری در آن فعالیت می کند. تورم حاد در این استاندارد تعریف نشده است. تورم حاد با عواملی از قبیل قیمت ها، نرخ سود تضمین شده و دستمزدها که به شاخص قیمت مرتبط هستند و تورم تجمعی حدود ۱۰۰ درصد طی ۳ سال، نشان داده می شود. صورتهای مالی، شامل اطلاعات مقایسه ای، باید برحسب واحد پولی عملیاتی جاری^۱، در پایان دوره گزارشگری ارائه شوند. تجدید ارائه مقادیر فعلی واحد پولی، با استفاده از تغییر در شاخص عمومی قیمت ها انجام می شود. سود یا زیان خالص وضعیت پولی^۲ باید در همان دوره و به صورت جداگانه افشا شود. یک واحد تجاری باید این واقعیت که صورتهای مالی تجدید ارائه شده است، شاخص قیمتی که برای تجدید ارائه استفاده شده است، و این که صورتهای مالی بر مبنای بهای تاریخی تهیه شده یا بهای جاری، را افشا نماید. یک واحد تجاری که واحد

یکی از اهداف اولیه حسابداری مدیریت، تأمین نیاز و خواست های اطلاعاتی استفاده کنندگان جهت کمک در اتخاذ تصمیم گیری های اقتصادی در ارتباط با واحد تجاری می باشد. اطلاعات حسابداری از جمله حسابداری مدیریت در تخصیص منابع اقتصادی و مالی نقش با اهمیتی دارد. یکی از مفروضات بدیهی تهیه صورتهای مالی «فرض ثبات واحد پولی» به عنوان معیار اندازه گیری فعالیت های اقتصادی است. در یک نظام مبتنی بر بهای تمام شده تاریخی، دارایی ها و بدهی ها به ارزش زمان تحصیل اندازه گیری می شود و این ارزش معمولاً بهای تحصیل است. ارزش تاریخی دارای دو خاصیت مهم است: (۱) مبتنی بودن آن بر معاملات و (۲) بیانگر ارزش جاری در زمان تحصیل است. اما با تغییر سطح عمومی قیمت ها که ممکن است به دلیل شرایط اقتصادی مانند تورم یا رکود یا تغییر در فن آوری باشد، ارزش پول نیز به تناسب آن تغییر می کند، در نتیجه ارزش مبالغ گزارش شده در صورتهای مالی بر فرض ثابت بودن پول، قابل اتکاء نمی باشند. قیمت های تاریخی گزارش شده در صورتهای مالی در صورتی که قدرت خرید دلار ثابت نماند، انباشتی از اقلام غیر متجانس و ناهمگن خواهد بود. یعنی اگر دلار یا هر واحد پولی دیگر ثابت نماند، استفاده از آن به عنوان یک واحد اندازه گیری در حسابداری مورد تردید خواهد بود (سوئینی، ۱۹۶۴، ص xx). برخی از حسابداران بر این باورند که ارائه صورتهای مالی تاریخی تعدیل شده (همگن)، بر مبنای قدرت خرید ثابت واحد پولی از ویژگی های کیفی «مربوط بودن» و «قابلیت مقایسه» برخوردار بوده و کیفیت اطلاعات را افزایش داده، تجزیه و تحلیل های صورتهای مالی دوره های مختلف را برای آگاهی روندهای مساعد و نامساعد، تسهیل می کند (همتی، ۱۳۸۹، ص ۲۱۳). در حسابداری مبتنی بر سطح عمومی قیمت، می توان درآمدها و هزینه ها را به بهترین شیوه مقایسه نمود، زیرا از ریهایی یکسانی استفاده می شود (ریاحی بلکویی، ۱۳۹۱، ص ۵۶۹).

حسابداری به ارزش های تاریخی همگن، که همان حسابداری به قیمت های بهای تمام شده تاریخی و کلاً بر اساس شناسایی بعد از وقوع است، با این تفاوت که هم افزایی ریال های ثبت شده بعد از همگن کردن آنها بر حسب تغییرات شاخص عمومی قیمت ها بین تاریخ های وقوع معاملات و تاریخ ترازنامه صورت می گیرد؛ و سود(زیان) قدرت خرید بابت مازاد اقلام پولی هم به گونه ای گزارش می شود (تیموری، ۱۳۷۷، ص ۵۹).

نسبت های مالی از ارقام مندرج در صورتهای مالی به دست می آیند. چنانچه صورتهای مالی بر مبنای بهای تاریخی

۲-۲- سیستم های گوناگون برای اندازه گیری ارقام مالی در شرایط تغییر قیمت ها

با توجه به این که قدرت خرید واحد پول، در دوران تورم ثابت نبوده و تغییرات در ارزش واحد پول، باید به گونه ای در گزارشگری مالی برای تامین نیاز و خواست های استفاده کنندگان انعکاس یابد، تا اطلاعات واقعی و قابل استفاده برای مقاصد گوناگون در اختیار استفاده کنندگان قرار گیرد، بنابراین سیستم های متنوع و گوناگونی برای اندازه گیری ارقام مالی وجود دارد که مورد بررسی قرار می گیرد:

- ۱) سیستم حسابداری مبتنی بر بهای تمام شده تاریخی - واحد اسمی پول^۳
- ۲) سیستم حسابداری مبتنی بر بهای تمام شده تاریخی - پول با قدرت خرید ثابت^۴
- ۳) سیستم حسابداری مبتنی بر ارزش جاری - واحد اسمی پول^۵
- ۴) سیستم حسابداری مبتنی بر ارزش جاری - پول با قدرت خرید ثابت^۶
- ۵) سیستم حسابداری مبتنی بر ارزش جاری - حفظ سرمایه فیزیکی^۷

۲-۲-۱- سیستم حسابداری مبتنی بر بهای تمام شده تاریخی - واحد اسمی پول (HC-ND):

سیستم بهای تمام شده تاریخی-واحد اسمی پول، یکی از مفاهیم فراگیر حسابداری است، که در سالهای متوالی مورد استفاده حسابداران بوده است. در این سیستم کلیه مبادلات همواره مبتنی بر ارزش متعارف در روز انجام مبادله ثبت و نگهداری می شود. در تهیه گزارشات مالی، بر اساس اصول پذیرفته شده حسابداری، که کلیه ارقام مندرج در آن عمدتاً بر مبنای ارزش های تاریخی-واحد اسمی پول ثبت و اندازه گیری شده، نقش اساسی دارند. و حتی اگر ارزش متعارف برخی از ارقام در گذر زمان تغییر کند، باز هم در گزارشگری مالی استفاده از ارقام تاریخی به استثناء مواردی خاص مثل موجودی کالا و سرمایه گذاری ها و ... الزامی است. ارزشهای تاریخی، مبتنی بر برآورد، حدس و اظهار نظر شخصی نبوده و همواره بطور عینی و بی طرفانه قابل اندازه گیری، رسیدگی، قابل تایید و اثبات می باشند (همان منبع، صص ۲۲۴ و ۲۲۵).

۲-۲-۲- سیستم حسابداری مبتنی بر بهای تمام شده تاریخی - پول با قدرت خرید ثابت (HC-CD):

تنظیم و ارائه مجدد مبالغ صورتهای مالی بر مبنای واحد پولی که دارای قدرت خرید برابر (همگن) می باشد را حسابداری مبتنی بر واحد پول دارای قدرت خرید ثابت گویند.

پولی عملیاتی آن متعلق به اقتصاد با تورم حاد است نمی تواند با انتخاب یک واحد پولی پایدار برای اهداف اندازه گیری خود، از تجدید ارائه اجتناب نماید. در برخی شرایط خاص، تعیین واحد پولی عملیاتی واحد تجاری مستلزم قضاوت حرفه ای است. تعیین این موضوع که اقتصاد دارای تورم حاد است یا خیر نیز ممکن است، مستلزم قضاوت حرفه ای باشد. زمانی که چندین شاخص قیمت وجود داشته باشد، واحد تجاری باید صورتهای مالی خود را با استفاده از آن شاخص عمومی قیمتتها که منعکس کننده تغییر در قدرت خرید عمومی است، تجدید ارائه نماید (IAS no.29).

در ایران، موضوع حسابداری تورمی از اهمیت بیشتری برخوردار است. با وجود عمر طولانی حسابداری تغییر قیمت ها در عرصه جهانی، این مفهوم در ایران از نظر اجرایی و از دید مسایل نظری، با وجود نرخ تورم بالا و اعتقادی که اکثریت استفاده کنندگان صورتهای مالی، تصمیم گیرندگان اقتصادی، و بویژه مدیران به بی فایدهی نسبی ارقام حسابداری در مقایسه با قیمت های روز دارند، کمتر مورد توجه قرار گرفته است (رویایی، ۱۳۷۲). طبق بندهای ۲۸ و ۲۹ از فصل پنجم مفاهیم نظری گزارشگری مالی ایران، در خصوص تعدیلات ناشی از اثرات تورم عمومی و تغییرات سریع و شدید در سطح عمومی قیمت ها، از آنجایی که اعتماد به واحد پول کاهش می یابد، راه حل مفید در این خصوص ارائه مجدد صورتهای مالی مبتنی بر بهای تمام شده تاریخی بر حسب قدرت خرید ثابت به نظر می رسد، اما دلایل مطرح شده ای همچون پیچیدگی و ناتوانی این روش در انعکاس محتوای اقتصادی در موارد ناهماهنگی تغییرات در قیمتتهای عمومی و اختصاصی و نیز ناآشنایی استفاده کنندگان با اطلاعات ارائه شده بر حسب واحدهای قدرت خرید ثابت، و اینکه استفاده از چنین نظامی در اقتصادهای با تورم حاد قابل توجیه است، استاندارد ایران انعکاس تغییرات ناشی از نوسانات قیمت را با ارائه روش «تجدید ارزیابی» برای دارایی های غیرپولی بلندمدت پیشنهاد می کند.

با وجود نرخ تورم بالا در ایران، تهیه صورتهای مالی تعدیل شده، ضمن اینکه پدیده حسابداری آثار تورم را ترویج و موارد فایده آن را برای استفاده کنندگان و سایر تصمیم گیرندگان اقتصادی روشن می کند، باعث می شود که اطلاعات واقعی تر و منطبق بر شاخص های اقتصادی روز در دسترس عموم قرار گیرد.

خواهد بود، و بنابراین در قضاوت ها کمتر دچار اشتباه و سردرگمی می شویم. در این روش علیرغم گزارشگری مالی بر مبنای بهای تمام شده تاریخی، گزارش به ارزشهای جاری به عنوان صورتهای مالی مکمل تاکید شده است.

۲-۲-۴- سیستم حسابداری مبتنی بر ارزش جاری - پول با قدرت خرید ثابت (CC-CD):

هدف از گزارشگری مالی در سیستم حسابداری به ارزشهای جاری مبتنی بر قدرت خرید ثابت واحد پول، در ترازنامه حاکی از این است که، کلیه اقلام دارایی باید بر مبنای اقل ارزش جاری یا خالص مبلغ قابل بازیافت (ارزش فعلی خالص مبلغ وجوهی که انتظار می رود در اثر فروش یا مصرف دارایی بدست آید) ارزشیابی و گزارش گردد، در مواقعی که برای شناخت و اندازه گیری دارایی ها روش های متنوع ارزشیابی وجود دارد، باید مبنایی برای ارزش گذاری دارایی ها مورد استفاده قرار گیرد که میزان دارایی ها را کمتر نشان داد. این نگرش با مفهوم محافظه کاری در ارتباط با اقلام ترازنامه که دارایی ها باید به اقل قیمت گزارش شود، سازگار بوده و به عنوان یک عامل تعدیل کننده و بازدارنده برای جلوگیری از انجام اندازه گیری ها بسیار خوش بینانه مطرح می باشد. یکی از محدودیت های حاکم بر گزارشگری مالی در سیستم حسابداری به ارزش های جاری اندازه گیری هزینه ها (بهای تمام شده کالای فروخته شده، استهلاک) می باشد که باید طبق اقل ارزش جاری یا مبلغ قابل بازیافت دارایی های مربوط مبنای اندازه گیری قرار گیرد. بدین معنی که این هدف در صورت سودوزیان مربوط به گزارش سود قابل توزیع مبتنی بر ارزش جاری بر اساس واحد پول دارای قدرت خرید ثابت می باشد. برای تهیه صورتهای مالی به ارزش جاری مبتنی بر واحد پول دارای قدرت خرید ثابت آگاهی از ارزش جاری هر یک از اقلام صورتهای مالی و شاخص قیمت ها به منظور ارائه مجدد کلیه مبالغ ارزش جاری به واحد پول دارای قدرت خرید ثابت در تاریخ گزارشگری ضرورت دارد.

۲-۲-۵- سیستم حسابداری مبتنی بر ارزش جاری - حفظ سرمایه فیزیکی (CC-PC):

اگر ظرفیت تولیدی یک واحد تجاری مبنای اندازه گیری سود، در گزارشگری مالی باشد، از سیستم حسابداری مبتنی بر ارزش جاری حفظ سرمایه فیزیکی استفاده می شود. در این رویکرد اندازه گیری سود واقعی پس از کسر مالیات و توزیع حداکثر سود بین سهامداران با ظرفیت تولیدی واحد تجاری مورد توجه قرار گرفته، و واحد تجاری توانایی جایگزینی دارایی مصرف شده در فرآیند تولیدی با دارایی های مشابه در پایان

به عبارت دیگر می توان گفت: فرآیند تبدیل صورتهای مالی مبتنی بر بهای تمام شده تاریخی به ارزش های مبتنی بر خرید با واحد پول ثابت را حسابداری بر مبنای واحد پول دارای قدرت خرید ثابت گویند. به منظور تبدیل و ارائه مجدد صورتهای مالی و گزارش آن بر حسب قدرت خرید واحد پول ثابت با استفاده از شاخص قیمت ها، می توان کلیه اقلام صورتهای مالی را که بر مبنای تاریخی اندازه گیری شده، به واحدهای پولی با قدرت خرید عمومی (برحسب قدرت خرید ثابت) تبدیل نمود. این فرایند و تبدیل مورد حمایت گروهی است که کاهش قدرت خرید واحد پول را مورد توجه قرار داده، بدیهی است، این گروه تابع مفهوم حفظ و نگهداشت سرمایه واحد پولی، معادل واحدهای قدرت خرید عمومی می باشند. به عبارت دیگر، می توان گفت که: حسابداری مبتنی بر واحد پول دارای قدرت خرید ثابت همان چارچوب حسابداری بر مبنای بهای تمام شده تاریخی بوده، با این تفاوت که واحد اندازه گیری آن تغییر یافته است. در این فرآیند، عامل تبدیل (Restate Factor) برابر است با شاخص قیمت در آخر سال تقسیم بر شاخص قیمت در زمان مبادله (پایه) و بهای تمام شده همگن شده (HC-CD) برابر است با: اقلام غیر پولی ضرب در عامل تبدیل.

۲-۲-۳- سیستم حسابداری مبتنی بر ارزش جاری - واحد اسمی پول (CC-ND):

از آنجایی که تورم و تغییرات قیمت کالا و خدمات ضرورتاً بهم وابستگی ندارند، از این رو ممکن است در طی دوره تورم در حالی که قیمت برخی از کالاها و خدمات به شدت افزایش یافته، و قیمت برخی از آنها ثابت مانده، و حتی ممکن است در مواردی کاهش هم داشته باشند؛ بدین جهت برخی از حسابداران بر این باورند که گزارشات مالی خود را بر مبنای تغییر در قیمت های خاص ارائه داده، تا نتایج عملیات واحد تجاری بر مبنای ارزش جاری به عنوان رویکردی واقعی تر جلوه گر شود. این گروه معتقدند که ارائه اطلاعات ارزش های جاری، تصمیم گیرندگان را در اخذ تصمیمات منطقی یاری داده، و می تواند عاملی برای جلوگیری از بروز ابهام در بررسی و مطالعه اطلاعات مالی واقعی تر به نظر رسد، زیرا درآمد حاصل از فروش که در دوره جاری تحقق یافته بر مبنای ارزش های جاری بوده، و اگر بخواهیم با بهای تمام شده کالای فروخته شده که بر مبنای ارزش های تاریخی استوار است مقایسه نماییم در مبنای اندازه گیری سود واقعی دچار مشکل شده در حالی که اگر بهای تمام شده کالای فروش رفته بر مبنای ارزش جایگزینی در محاسبه سود مورد توجه قرار گیرد، سود گزارش شده واقعی تر و تصویر صورتهای مالی مطلوب تر

حسابداری به ارزش های تاریخی همگن و حسابداری به ارزش های جاری همگن لازم است. ارقام پولی، دارایی ها و بدهی هایی است که مبالغ لازم برای بازیافت و بازپرداخت آنها طبق قراردادهای و قوانین ثابت است و باگذشت زمان و تغییر قیمت ها، تغییر نمی کند. فرض بر این است که در وضعیت تورم، نگهداشتن دارایی پولی باعث از دست رفتن قدرت خرید و داشتن بدهی های پولی سبب به دست آوردن قدرت خرید اضافی می گردد، زیرا ریال های کم ارزش تر امروز به ازای ریال های پر ارزش تر گذشته داده می شود. سودوزیان قدرت خرید بابت مازاد ارقام پولی مقوله خاصی از سود و زیان است که به مفهوم حفظ سرمایه به معنای حفظ توان عملیاتی مربوط می شود. صورت سودوزیان باید خالص افزایش یا کاهش قدرت خرید یا بضاعت موسسه را که مستقیماً از عملیات عادی و مستمر آن نتیجه شده است به عنوان سود(زیان) خالص، یا سود(زیان) عملیات مستمر نشان بدهد (تیموری، ۱۳۷۷، ص ۶۰).

دوره مالی را داشته، و در سال های بعد پایدار می ماند. تفاوت بین سیستم فوق با سیستم حسابداری مبتنی بر ارزش جاری این است که سود ناشی از نگهداری ارقام دارایی باید بطور جداگانه تحت عنوان «تعدیل حفظ سرمایه»^۸ طبقه بندی و در ترازنامه در بخش حقوق صاحبان سهام قبل از سود انباشته گزارش می گردد^۹ (همان منبع، صص ۲۷۰-۲۴۵).

۳-۲- اجرای حسابداری تورمی:

اولین مرحله تبدیل صورتهای مالی (ترازنامه) از مبلغ اسمی به واحد پول دارای قدرت خرید ثابت، تفکیک ارقام پولی و غیر پولی می باشد. از آنجا که ارقام پولی نشانگر دریافت و پرداخت ثابت در آنی بوده، قدرت خرید آنها معادل ارزش جاری در تاریخ گزارشگری می باشد. بنابراین ارقام پولی در نتیجه تغییر سطح عمومی قیمت ها تعدیل نمی شوند، و صرفاً ارقامی که باید به واحد پول ثابت تبدیل گردند، ارقام غیر پولی می باشند.

۳-۲-۱- تفکیک ارقام پولی و غیر پولی و سود یا زیان

قدرت خرید:

مجزا نمودن ارقام پولی و غیر پولی^{۱۰} و محاسبه سود یا زیان قدرت خرید بابت مازاد ارقام پولی در هر دو الگوی

طبقه بندی ارقام پولی و غیر پولی		
غیر پولی	پولی	گروه دارایی ها:
	×	۱. وجوه نقد، صندوق و بانک
	×	۲. موجودی ها و مطالبات ارزی
		۳. سرمایه گذاری در اوراق بهادار :
×		۱-۳. سهام عادی که حسابداری آن به روش ارزش ویژه نباشد
×	(یا) ×	۲-۳. سهام ممتاز، با حق تبدیل یا مشارکت
	×	۳-۳. سهام ممتاز، بدون حق مشارکت و حق تبدیل
×	(یا) ×	۴-۳. اوراق قرضه قابل تبدیل
	×	۵-۳. اوراق قرضه (به استثنای قابل تبدیل)
	×	۴. حساب ها و اسناد دریافتنی
	×	۵. ذخیره مطالبات مشکوک الوصول
×	(یا) ×	۶. موجودی کالاهای مورد استفاده در پیمانکاریها
×		۷. موجودی کالا (به جز کالاهای مورد استفاده در پیمانکاریها)
	×	۸. وام به کارکنان
×	(یا) ×	۹. پیش پرداخت بیمه، آگهی، اجاره بها، و سایر پیش پرداخت ها
	×	۱۰. دریافتنی های بلندمدت
	×	۱۱. سپرده های قابل استرداد
×		۱۲. بیشتر سرمایه گذاریها در واحدهای فرعی غیر مشمول تلفیق یا سایر واحدهای سرمایه پذیر
×	(یا) ×	۱۳. سپرده های وجوه بازنشستگی و استهلاکی و سایر وجوه صندوقهای تحت نظارت خود موسسه
×		۱۴. اموال، ماشین آلات و تجهیزات
×		۱۵. استهلاک انباشته، اموال، ماشین آلات و تجهیزات
	×	۱۶. وجوه قابل بازیافت بابت بیمه عمر

طبقه بندی اقلام پولی و غیر پولی		
غیر پولی	پولی	گروه دارایی ها:
×		۱۷. تعهدات خرید- قسمت پرداخت شده بابت قراردادهای خرید به قیمت های ثابت
	×	۱۸. پیش پرداخت به فروشنده- نه بر اساس قرارداد به قیمت ثابت
	×	۱۹. اقلام بدهکار انتقالی به دوره های آتی بابت مالیات بر درآمد
×		۲۰. حق اختراع، نام ها و علائم تجاری، پروانه های ساخت و فرمول های سری
×		۲۱. سرقفلی
×		۲۲. سایر دارایی های نامشهود و هزینه های انتقالی به دوره های آتی
	×	گروه بدهی ها:
	×	۱. حساب ها و اسناد پرداختنی
	×	۲. هزینه های پرداخت نشده (حقوق و دستمزد و...)
×	(یا) ×	۳. بدهی های باز خرید مرخصی
	×	۴. سود سهام پرداختنی
	×	۵. تعهدات تادیه شدنی به ارز
×		۶. تعهدات فروش، نسبت به بخش وصول شده بابت قراردادهای به قیمت ثابت
	×	۷. پیش دریافت از مشتریان- نه بر اساس قرارداد به قیمت ثابت
	×	۸. زبان های تحقق یافته بابت تعهدات قطعی خرید
×	(یا) ×	۹. درآمد دریافت شده و تحقق نیافته (اگر همراه با تعهدتحویلی کالا یا انجام خدمات باشد، غیر پولی است؛ برخی اقلام «سود های انتقالی» در گزارشهای موسسات مالی، پولی، هستند.)
	×	۱۰. سپرده های قابل استرداد
	×	۱۱. اوراق قرضه پرداختنی و سایر وام های بلندمدت
	×	۱۲. صرف و کسر تخصیص نیافته و پیش پرداخت بهره اوراق قرضه و اسناد پرداختنی
	×	۱۳. اوراق قرضه پرداختنی قابل تبدیل
×	(یا) ×	۱۴. تعهدات تحقق یافته بازنشتگی
×		۱۵. تعهدات بابت تضمین فرآورده فروخته شده
تغییر	×	۱۶. اقلام بستانکار انتقالی بابت مالیات بر درآمد
	×	۱۷. تعهدات سپرده های موسسات مالی

FASB , Proposed Statement of Financial Accounting Standards, "Financial Reporting and Changing Prices: Current Cost Information"(Stamford, conn., December 1984), Par 99

۲-۳-۲- همگن سازی اقلام مندرج در صورتهای مالی:

به منظور تبدیل اقلام مندرج در صورتهای مالی، در تاریخ ترازنامه لازم است تا با استفاده از شاخص قیمت، عناصر صورتهای مالی را تعدیل نماییم، که نحوه محاسبه آن عبارت است از : بهای تمام شده تاریخی یک قلم از صورتهای مالی ضربدر کسری که صورت آن شاخص عمومی قیمت ها در دوره جاری و مخرج آن شاخص عمومی قیمت ها در زمان مبادله می باشد.

$$(۱) \quad \frac{\text{شاخص قیمت در پایان سال جاری}}{\text{شاخص قیمت در زمان مبادله یا پایه}} = \text{عامل تبدیل}$$

$$(۲) \quad \text{عامل تبدیل} \times \text{اقلام غیر پولی} = \text{بهای تمام شده تاریخی،}$$

واحد پول دارای قدرت خرید ثابت

در ادامه، فرآیند تبدیل اقلام ترازنامه و اقلام صورت سودوزیان بطور جداگانه مورد بررسی قرار می گیرد.

الف) فرآیند تبدیل اقلام ترازنامه تاریخی به بهای تمام شده تاریخی همگن:

به منظور تبدیل اقلام غیر پولی به واحد پولی دارای قدرت خرید ثابت، آگاهی از شاخص قیمت مصرف کننده در دوره جاری و مقدار این شاخص در دوره های تحصیل دارایی ها و انتشار سهام ضروری است. موجودی کالا و مواد که یک دارایی غیر پولی است، برای تبدیل به واحد پول دارای قدرت خرید ثابت، به روش ارزشیابی (Fifo ، Lifo ...) بستگی دارد ، که با توجه به روش ارزشیابی، شاخص مناسبی برای تبدیل باید مورد توجه قرار گیرد.

موجودی کالا : در صورتی که مبنای ارزشیابی موجودی

کالا، روش اولین صادره از اولین وارده FIFO باشد نیازی به تعدیل ندارد (مگر مربوط به شاخص خاص باشد)، اما اگر مبنای ارزشیابی موجودی کالا، روش اولین صادره از آخرین وارده

$$(5) \quad \times \text{ هزینه استهلاک تاریخی} = \text{هزینه استهلاک}$$

شاخص در تاریخ گزارشگری

شاخص در زمان تحصیل دارایی مربوط

سهام عادی و صرف سهام: این گونه ارقام با استفاده از

شاخص قیمت در دوره جاری (تاریخ گزارشگری) و شاخص

قیمت در زمان صدور و انتشار سهام آن تبدیل می گردد.

$$(6) \quad = \text{سهام عادی و صرف سهام}$$

شاخص در تاریخ گزارشگری
 \times سهام عادی و صرف سهام تاریخی
 شاخص در زمان انتشار سهام

سود انباشته: نحوه اندازه گیری سود انباشته مبتنی بر

واحد پول دارای قدرت خرید ثابت را می توان از طریق موازنه

(مجموع دارایی ها به ارزش تاریخی تبدیل شده منهای مجموع

بدهی ها و سهام عادی به ارزش تاریخی همگن) یا مستقیماً از

طریق اندازه گیری به شرح زیر محاسبه نمود (همتی، ۱۳۸۹،

صص ۲۳۳-۲۲۶):

xxxx	سود انباشته اول دوره مبتنی بر واحد اسمی
x: عامل تبدیل	نسبت تبدیل
= سود انباشته اول دوره (تاریخی) همگن شده	xxxx
+ سود نقل از صورت سود(زیان) مبتنی بر واحد پول دارای قدرت خرید ثابت	xxxx
= جمع	xxxx
- سود سهام پرداختی به ارزش تاریخی همگن	xxxx
= سود انباشته پایان دوره مبتنی بر واحد پول دارای قدرت خرید ثابت	xxxx

۲۲۹-۲۳۰). در مورد اقلامی که معاملات مربوط به آنها در طی

دوره مکرر باشد، مانند درآمد فروش و هزینه های مستمر، برای

سهولت محاسبه فرض یکنواخت بودن آن معاملات در سراسر

سال است. بدین گونه استفاده از میانگین شاخص های ماهانه

سال در مخرج کسر توجیه پذیر می گردد. بنابراین :

$$(7) \quad \text{میانگین شاخص های ماهانه سال} = \frac{\text{شاخص قیمت در پایان سال جاری}}{\text{میانگین شاخص های ماهانه سال}} \times \text{عامل تبدیل}$$

نحوه تبدیل و ارائه مجدد ارقام صورت سودوزیان در ادامه

تشریح می گردد:

فروش: به دلیل گستردگی فروش در طی دوره مالی و

عدم دسترسی به جزئیات اطلاعات مربوط، چنانچه فروش در

سراسر سال بطور یکنواخت انجام گیرد، می توان میانگین

Lifo باشد، با استفاده از شاخص قیمت جاری در تاریخ

گزارشگری و شاخص قیمت در اول دوره یا شاخص خاص

تعدیل می گردد.

$$(3) \quad \times \text{ موجودی کالا تاریخی} = \text{موجودی کالا lifo}$$

شاخص در تاریخ گزارشگری

شاخص قیمت در اول دوره

اموال، ماشین آلات و تجهیزات: این گونه دارایی ها با

کمک شاخص قیمت در تاریخ گزارشگری و شاخص قیمت در

زمان تحصیل تعدیل می شوند.

(۴)

$$\times \text{ اموال، ماشین آلات تاریخی} = \text{اموال، ماشین آلات ...}$$

شاخص در تاریخ گزارشگری

شاخص در زمان تحصیل

هزینه استهلاک دارایی های استهلاک پذیر: هزینه

استهلاک با کمک شاخص قیمت در تاریخ گزارشگری و

شاخص قیمت در زمان تحصیل دارایی مربوط، تبدیل می

شوند.

ب) فرآیند تبدیل ارقام صورت سودوزیان تاریخی به

بهای تمام شده تاریخی همگن:

به منظور تبدیل کلیه ارقام مندرج در صورت سودوزیان که

در واقع، نتیجه مبادلات متعددی بوده، تابع روش خاصی می

باشد. ارزشیابی برخی از این گونه ارقام، ممکن است مربوط به

زمان خاصی از دوره مالی جاری بوده، و ارزشیابی برخی دیگر،

همانند بهای تمام شده کالای فروخته شده و هزینه استهلاک،

مربوط به دوره های مالی گذشته می باشند، بنابراین جهت

تبدیل، از ارزش تاریخی به واحد پول دارای قدرت خرید ثابت،

همواره ضرورت دارد که از یک قاعده و روش خاصی پیروی

گردد، و همچنین لازم است جهت تبدیل و ارائه مجدد کلیه

ارقام صورت سودوزیان، آگاهی از شاخص قیمت مصرف کننده

در دوره جاری و شاخص قیمت در دوره های تحصیل دارایی

های مربوط به سودوزیان ضرورت دارد (همتی، ۱۳۸۹، صص

شاخص عمومی قیمت ها در طی دوره مالی جهت تبدیل استفاده نمود.

$$(۸) = \text{فروش به بهای تاریخی همگن}$$

$$\frac{\text{شاخص در تاریخ گزارشگری}}{\text{متوسط شاخص طی دوره مالی}} \times \text{فروش تاریخی}$$

بهای تمام شده کالای فروخته شده: روش تبدیل و ارائه مجدد مقادیر بهای تمام شده کالای فروخته شده بستگی به روش ارزشیابی موجودی کالا دارد، اگر روش ارزشیابی بر مبنای اولین صادره از اولین وارده باشد در این صورت در تبدیل موجودی کالای اول دوره از شاخص قیمت در تاریخ گزارشگری به شاخص قیمت در تاریخ تحصیل کالا استفاده می شود، در مواردی که شاخص قیمت در زمان تحصیل نامشخص باشد، می توان از شاخص قیمت اول دوره (پایان دوره مالی قبل) یا میانگین سه ماهه آخر دوره مالی قبل در تبدیل استفاده نمود. به منظور تبدیل موجودی کالای آخر دوره با استفاده از روش ارزشیابی FIFO می توان از شاخص قیمت پایان دوره مالی به میانگین شاخص قیمت در طی دوره مالی یا میانگین شاخص قیمت سه ماهه آخر سال استفاده نمود. بکارگیری روش ارزشیابی موجودی کالا بر مبنای اولین صادره از آخرین وارده در تبدیل اندکی پیچیدگی دارد، یکی از روش های متداول تبدیل و ارائه مجدد موجودی کالا آخر دوره، استفاده از شاخص قیمت در پایان دوره به شاخص قیمت در زمان تحصیل می باشد، یعنی:

$$(۹) = \frac{\text{شاخص در تاریخ گزارشگری}}{\text{شاخص قیمت در اول دوره مالی}} \times \text{عامل تبدیل}$$

خرید: اگر خرید کالا به طور یکنواخت طی دوره مالی صورت گیرد، می توان در تبدیل از متوسط شاخص قیمت طی دوره مالی در مخرج کسر عامل تبدیل استفاده نمود، بطور کلی از لحاظ تئوری اگر بخواهیم بطور دقیق و یکنواخت رویدادهای مربوط به خرید را در ارائه مجدد مورد اندازه گیری و ارزشیابی قرار دهیم، ضرورت دارد که، از شاخص قیمت در زمان خرید در مخرج کسر عامل تبدیل استفاده شود. به دلیل گستردگی خرید ها در طی دوره مالی توجه به ویژگی کیفی و فزونی منافع بر مخارج و اصل اهمیت می توان از شاخص قیمت در زمان خرید کالا صرف نظر کرد:

$$(۱۰) = \text{خرید به بهای تاریخی همگن}$$

$$\frac{\text{شاخص در تاریخ گزارشگری}}{\text{متوسط شاخص طی دوره مالی}} \times \text{خرید تاریخی}$$

هزینه حقوق، دستمزد و هزینه های اداری و فروش: اگر هزینه های حقوق، دستمزد، اداری، فروش بطور یکنواخت در سراسر سال صورت گیرد می توان از شاخص قیمت در پایان دوره مالی به میانگین شاخص قیمت در طی دوره مالی در تبدیل استفاده کرد.

هزینه استهلاک: به منظور تبدیل معمولاً می توان از نسبت شاخص قیمت پایان دوره مالی به شاخص قیمت در زمان تحصیل دارایی استهلاک پذیر استفاده کرد. در برخی منابع، بجای شاخص قیمت در پایان دوره مالی، از میانگین نسبت شاخص قیمت در دوره جاری به شاخص قیمت در تاریخ تحصیل دارایی استهلاک پذیر استفاده می شود.

مالیات بر درآمد، هزینه بهره: اگر بهره و مالیات بردرآمد بطور یکنواخت در سراسر سال پرداخت شود، می توان از شاخص قیمت در پایان دوره مالی به میانگین شاخص قیمت در طی دوره مالی، جهت تبدیل مورد استفاده قرار داد. چنانچه بهره و مالیات بردرآمد، در پایان دوره مالی پرداخت شود، ارائه مجدد هیچگونه تعدیلی ضرورت ندارد.

سود سهام پرداختی: سودسهام پرداختی به کمک شاخص قیمت در تاریخ گزارشگری و شاخص قیمت در زمان اعلام، تبدیل می شود(همتی، ۱۳۸۹، ص ۲۳۳).

سود یا زیان حاصل از قدرت خرید خالص اقلام پولی: در دوران تورم، به علت افزایش قیمت کالا و خدمات، نگهداری دارایی ها و بدهی های پولی، موجب ایجاد سود یا زیان قدرت خرید^{۱۱} می گردد. تحقق مبادله در واحدهای تجاری، موجب تغییر در اجزاء خالص دارایی های پولی شده و تجزیه و تحلیل این گونه مبادلات، پیچیده ترین بخش تهیه صورتهای مالی بر مبنای قدرت خرید واحد پول ثابت می باشد. کلیه مبادلات عادی که در خالص دارایی های پولی اثر می گذارند، در جدول ۱، همراه با مفروضات عادی که نحوه چگونگی تاثیر بر خالص دارایی، در زمانی که مبادله رخ می دهد را نشان می دهد(همان منبع، ص ۲۳۵):

(جدول ۱)

رویداد	تأثیر مبادلات بر خالص دارایی های پولی	زمان رویداد
فروش نقد و نسیه	افزایش در خالص دارایی های پولی (معادل مبلغ فروش)	مستمر طی دوره مالی
سود	افزایش در خالص دارایی های پولی (معادل مبلغ سود)	زمان تحقق معامله
خرید کالا	کاهش در خالص دارایی های پولی (معادل مبلغ خرید)	مستمر طی دوره مالی
هزینه ها	کاهش در خالص دارایی های پولی (معادل مبلغ هزینه)	مستمر طی دوره مالی
مالیات بردآمد	کاهش در خالص دارایی های پولی (معادل مبلغ مالیات)	پایان دوره مالی
سودسهم پرداختی	کاهش در خالص دارایی های پولی (معادل مبلغ سودسهم)	زمان اعلام سود
خرید ماشین آلات...	کاهش در خالص دارایی های پولی (معادل مبلغ پرداختی)	زمان تحصیل
انتشار سهام	افزایش در خالص دارایی های پولی (معادل مبلغ اعلام شده)	زمان انتشار
استهلاک داراییها	هیچ گونه تاثیری در خالص داراییهای پولی ندارد	-

سهام پرداختی، مالیات بردآمد (...) و تبدیل آن با استفاده از شاخص قیمت در پایان دوره مالی.

گام چهارم) هنگامی که کلیه مراحل فوق بر مبنای واحد اسمی پول (تاریخی) و قدرت خرید واحد پول در پایان دوره مالی محاسبه گردید می توان از مقایسه، حاصل جمع مبالغ خالص ارقام دارایی های پولی واقعی (اسمی) با مبالغ خالص ارقام دارایی های پولی همگن شده، چنین نتیجه گیری کرد؛ اگر خالص دارایی های پولی بر مبنای قدرت خرید واحد پول ثابت، بیش از خالص دارایی های تاریخی در پایان دوره مالی باشد، تفاوت معرف زیان ناشی از قدرت خرید نگهداری دارایی های پولی و در مواردی که خالص دارایی های پولی بر مبنای قدرت خرید واحد پول ثابت (همگن شده) کمتر باشد نتیجه سود ناشی از قدرت خرید دارایی های پولی تلقی می گردد(دهمتی، ۱۳۸۹، صص ۲۳۵ و ۲۳۶). نحوه محاسبه سود یازبان قدرت خرید واحد پول به شرح زیر خواهد بود:

نحوه محاسبه سود یا زیان قدرت خرید ناشی از

نگهداری ارقام پولی:

گام اول) محاسبه خالص دارایی های پولی اول دوره (دارایی های پولی منهای بدهی های پولی) و تبدیل آن به شاخص عمومی قیمت ها در پایان دوره مالی. گام دوم) به علاوه : کلیه موارد مربوط به افزایش در خالص دارایی های پولی از منابع مختلف (فروش کالا، فروش دارایی، اموال، ماشین آلات و تجهیزات، سودتضمین شده، وجوه حاصل از انتشار سهام، فروش اوراق قرضه، درآمد متفرقه ...) و تبدیل آن با استفاده از شاخص عمومی قیمت ها در پایان دوره مالی.

گام سوم) منهای : کلیه موارد مربوط به کاهش در خالص دارایی های پولی از منابع مختلف (خرید کالا، هزینه های عملیاتی و غیر عملیاتی، خرید اموال، ماشین آلات و تجهیزات، تحصیل سهام، بازپرداخت اوراق قرضه، بازخرید سهام، سود

(۱۱)

$$= \text{سود یازبان قدرت خرید} = \begin{pmatrix} \text{خالص داراییهای} \\ \text{پولی اول دوره} \\ \text{همگن شده} \end{pmatrix} + \begin{pmatrix} \text{افزایش خالص} \\ \text{دارایی های پولی} \\ \text{همگن شده طی دوره} \end{pmatrix} - \begin{pmatrix} \text{کاهش خالص} \\ \text{دارایی های پولی} \\ \text{همگن شده طی دوره} \end{pmatrix} - \begin{pmatrix} \text{خالص داراییهای} \\ \text{پولی واقعی} \\ \text{پایان دوره} \end{pmatrix}$$

طی پژوهشی پیرامون « اثرات صورتهای مالی تعدیل شده بر اساس ارزشهای جاری بر تصمیمات سرمایه گذاران» نشان داده است که دارندگان صورتهای مالی تعدیل شده بر اساس ارزشهای جاری از هیچگونه امتیاز خاصی در تصمیم گیری هایشان برخوردار نبودند.

دیلی (۱۹۸۵)^{۱۴}، «اثر تورم را بر نرخ بازده گزارش شده شرکتهای تولیدی کانادایی» مورد بررسی قرار داد. نتایج این پژوهش نشان داد، هنگامی که سرمایه بر مبنای بهای جاری به

۳- پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهشات انجام شده مرتبط با موضوع این پژوهش بصورت زیر ارائه می گردد:

هینتز (۱۹۷۳)^{۱۲} در پژوهشی «اثرات صورتهای مالی تعدیل شده ناشی از تورم بر تصمیم گیری سرمایه گذاران» را مورد بررسی قرار می دهد. نتایج این پژوهش به روشنی نشان دهنده عدم وجود هرگونه تفاوت میان تصمیمات اتخاذ شده گروه های مختلف سرمایه گذاران بود. مک اینتایر (۱۹۷۳)^{۱۳}،

کاراپینر وهمکاران (۲۰۱۲) ، به بررسی «تأثیر اجرای حسابداری تورمی بر نسبتهای مالی»، با نمونه ای شامل ۱۳۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار استانبول، از سال ۲۰۰۱ الی ۲۰۰۴، پرداختند. در این پژوهش، تفاوت معناداری بین نسبتهای مالی مبتنی بر ارزش های ثبت شده تاریخی و حسابداری مبتنی بر ارزشهای تاریخی همگن، برای نسبت های جاری، حقوق صاحبان سرمایه و نسبت های گردش غیرجاری مشاهده گردید.

پژوهش های انجام شده در ایران، با موضوع کلی «تأثیر تورم (صورتهای مالی همگن شده ناشی از تورم) بر تصمیم گیری استفاده کنندگان از صورتهای مالی»، توسط رویایی (۱۳۷۱) ، عامری (۱۳۷۶)، ستایش (۱۳۸۰)، دستگیر (۱۳۸۷)، شه رضایی (۱۳۸۱) ، انجام گرفته است که طبق یافته های آنان، هیچگونه اختلاف آماری بین تصمیمات دارندگان صورتهای مالی تعدیل شده و دارندگان صورتهای مالی تاریخی وجود نداشته است. در حقیقت نتایج آنان نشان داد که تعدیل صورتهای مالی بر اساس تغییر قیمت ها بر قیمت سهام تغییر نداشته و در تصمیمات سرمایه گذاران بی تأثیر بوده است. اما در این راستا، نتایج پژوهش ساسانی (۱۳۷۵)، نشان داد در شرایط خاصی صورتهای مالی تعدیل شده بر اساس شاخص عمومی قیمت ها، بر تصمیم گیری های اقتصادی تأثیر داشته است.

مؤمنی ملکشا (۱۳۷۹)، به «بررسی چگونگی تأثیر تقسیم سود بر اساس سود تعدیل شده مطابق تغییرات سطح عمومی قیمت ها بر وضعیت نقدینگی شرکتها» پرداخت. هدف اصلی پژوهش، بررسی آثار تغییرات سطح عمومی قیمت ها بر برخی از متغیرهای صورتهای مالی (سود، سودنقدی و مالیات) از طریق انعکاس این آثار بر اقلام حسابداری است. و در نتیجه یاری رساندن به تصمیم گیری شرکت ها جهت اتخاذ تصمیم نسبت به توزیع سود و سایر تصمیمات است.

دستگیر و، امیدعلی (۱۳۸۳) پژوهشی با موضوع «بررسی موانع استفاده از حسابداری تورمی در ایران»، انجام دادند. در این پژوهش سعی شده با توجه به وجود تورم محسوس در ایران علل عدم بکارگیری حسابداری تورمی مورد بررسی قرار گیرد. یافته ها نشان داد که عدم آشنایی مسئولین حسابداری شرکت ها و موسسات با اهمیت و مفاهیم حسابداری تورمی، ناکافی بودن شاخص های تغییر سطح قیمت ها، افزایش بدهی مالیاتی ناشی از تجدید ارزیابی دارایی ها، فزونی مخارج بر منافع حسابداری تورمی و عدم حمایت های دولتی از جمله موانع اجرای حسابداری تورمی در ایران است. فقدان یک استاندارد تورمی در ایران و همچنین جدی نگرفتن مباحث

جای بهای تمام شده تاریخی نگهداری شد، سطح نرخ بازده سرمایه (ROE) با کاهش روبه رو بود. پژوهشات مشابه ای که به نتایج دیلی (۱۹۸۵)، دست یافتند شامل : باسا (۱۹۷۶)، باسنز (۱۹۷۷)، تاراسفسکی وهمکاران (۱۹۸۱) می باشد^{۱۵}. پژوهش های فلدستاین (۱۹۷۷)، مایر (۱۹۷۹)، نورد هس (۱۹۷۵)، تاراسفسکی (۱۹۸۱)، دال و مک چارلز (۱۹۸۲) ، و ویلکاکس (۱۹۸۳)، همگی مطالعاتی درباره نرخ بازده بهره سهامداران در شرکتهای آمریکای شمالی بودند که نتایج نشان داد نرخ بهره در این شرکت ها در اواخر دهه ۱۹۷۰ با کاهش روبه رو بود^{۱۶}.

سیلوا (۲۰۰۲)^{۱۷}، مطالعه تجربی در زمینه نشان دادن «اثرات تورم بر تصمیم گیری استفاده کنندگان در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار برزیل» انجام داده است. نتایج این پژوهش نشان می دهد که بین سودخالص تاریخی و سود خالص تعدیل شده، حقوق صاحبان سرمایه و همچنین بازده سرمایه گذاری (ROI) به دست آمده از صورتهای مالی تاریخی و بازده سرمایه گذاری تعدیل شده بر اساس سطح عمومی قیمت ها اختلاف قابل ملاحظه آماری وجود ندارد و تصمیم گیری استفاده کنندگان از روی صورتهای مالی تعدیل شده نسبت به تصمیم گیری بر اساس اطلاعات تاریخی به نتایج مشابهی منجر می شود.

کاراپینر و زیف (۲۰۰۵)^{۱۸}، «تأثیرات حسابداری تورمی را بر نسبت های مالی شرکت های ترکیه»، بررسی کردند. نمونه آنها شامل ۷۳ شرکت غیرمالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار استانبول را در سال ۲۰۰۳ بود. نسبت ها هم بر مبنای بهای تمام شده تاریخی و هم تعدیل شده با دو مجموعه نسبت ها محاسبه گردید. نتایج نشان داد که به استثنای نسبت گردش دارایی های ثابت، هیچ تفاوت (تغییر) معناداری در نسبتهای نقدینگی، مالی، سوددهی و فعالیت مشاهده نشد. آکدن وهمکاران (۲۰۰۹)^{۱۹}، تعدادی شرکت به نمونه پژوهش کاراپینر و زیف (۲۰۰۵)، اضافه کردند. نتایج آزمون برای تعداد ۱۴۶ شرکت همچنان با نتایج پژوهش قبل ، منطبق بود.

سینپ (۲۰۱۱)^{۲۰}، در پژوهشی با هدف «بررسی اثرات تورم بر صورتهای مالی از طریق تجزیه و تحلیل نسبت ها» در می یابد که حتی در کمترین نرخ ها، تورم تأثیرات منفی بر صورتهای مالی برجای می گذارد. در مدل ارائه شده این پژوهش ، نسبتها تحت تأثیر تعدیلات ناشی از تورم قرار دارند. این پژوهش پیشنهاد می کند که تعدیلات صورتهای مالی ناشی از تورم باید پیوسته اجرا شود حتی اگر نرخ ها از الزامات استاندارد بین المللی شماره ۲۹ (IAS 29) ، کمتر باشد.

- ۱) شرکتهای تولیدی بزرگ و فعال (شرکتهای سرمایه گذاری و اعتباری جزء نمونه نیستند).
- ۲) عضویت در بورس اوراق بهادار ایران طی سالهای مورد مطالعه.
- ۳) سودآور بودن فعالیت شرکت ها طی سال های مورد مطالعه.
- ۴) تاریخ پایان سال مالی شرکتها ۱۲/۲۹ باشد.
- ۵) شرکتها باید دارای اطلاعات مالی کافی برای انجام پژوهش باشند.

در پژوهش حاضر حجم نمونه از رابطه زیر بدست آمد:

$$n = \frac{NZ^2 \frac{\sigma_x^2}{Z}}{\varepsilon^2 (N-1) + Z^2 \frac{\sigma_x^2}{Z}} \quad (12)$$

با توجه به فرمول فوق: ε حداکثر خطای برآورد، $Z_{\frac{\alpha}{2}}$ مقدار آماره Z ، σ_x^2 واریانس جامعه، N تعداد جامعه و n تعداد نمونه می باشند. در این پژوهش، تعداد جامعه آماری ۱۳۱ شرکت است که دارای کلیه شرایط مورد نیاز پژوهش می باشند. با توجه به در دسترس نبودن واریانس جامعه آماری، در یک پژوهش اولیه میزان واریانس بر مبنای نسبت سود عملیاتی همگن (تعدیل شده) با استفاده از یک نمونه ۲۰ تایی از شرکتها برآورد گردید. بنابراین، $N=131$ ، $\sigma_x^2 = 0.10$ ، $\alpha = 0.05$ ، و مقدار آماره Z ، با $\alpha = 0.05$ ، برابر با $Z_{\frac{\alpha}{2}} = Z_{0.025} = 1.96$ می باشد. بنابراین تعداد نمونه پژوهش، ۳۸ شرکت بدست آمد. جهت منظور نمودن اثر تورم بر صورتهای مالی نیاز به عامل یا فاکتوری بود که بتوان آن را به طور یکنواخت و به نحوی که آثار تغییرات سطح عمومی قیمتها را منعکس کند، عامل تعدیل کلیه اقلام قرار دهیم.

معتبرترین عاملی که منعکس کننده تغییرات سطح عمومی قیمت ها در ایران می باشد، شاخص های منتشره توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می باشد. به این منظور «کل بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری» ضابطه تعدیل اقلام قرار گرفته است. اولین گام در همگن سازی (تعدیل) صورتهای مالی، تفکیک اقلام پولی و غیر پولی ترازنامه و صورت سودوزبان می باشد.

حسابداری تورمی در دروس دانشگاهی رشته حسابداری در ایران عوامل دیگر ناکام ماندن حسابداری تورمی می باشد. نیکبخت و تنانی (۱۳۸۶)، «ارتباط نسبت های سودآوری تعدیل شده بر اساس تورم با نرخ بازده سهام شرکت های صنعت تصفیه ی نفت و پتروشیمی بورس اوراق بهادار تهران» را مورد بررسی قرار دادند. یافته های این پژوهش نشان داد ارتباط معناداری بین نسبت های سودآوری تعدیل شده بر اساس شاخص سطح عمومی قیمت ها و نرخ بازده سهام (سالهای ۸۱-۸۴) وجود ندارد.

۴- روش شناسی پژوهش

دوره های مالی مورد آزمون، صورتهای مالی شرکتها طی سالهای ۱۳۸۷ الی ۱۳۹۱ می باشد. لازم به ذکر است که برای محاسبه برخی از نسبت ها همچون متوسط موجودی کالا، به صورتهای مالی ۱۳۸۶ نیاز است که از صورتهای مالی ۱۳۸۶ نیز استفاده شده است؛ بنابراین برخی از اقلام آن نیز تعدیل گردیدند.

در این پژوهش گردآوری اطلاعات در دو مرحله انجام شده است: در مرحله اول برای تدوین مبنای نظری پژوهش از روش کتابخانه ای، و در مرحله دوم برای گردآوری داده های مورد نظر که شامل مجموعه کامل صورتهای مالی شرکتها نمونه می باشد از آرشیو کتابخانه سازمان بورس و اوراق بهادار تهران، پایگاه اینترنتی بورس و اوراق بهادار تهران، پایگاه اینترنتی مدیریت پژوهش توسعه و مطالعات اسلامی، پایگاه اینترنتی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سایر سایت های معتبر دیگر دریافت شده است.

متغیرهای پژوهش شامل: نسبتهای نقدینگی، نسبتهای فعالیت، نسبتهای ساختار مالی (سرمایه گذاری) و نسبتهای سودآوری بشرح جدول ۲ می باشد.

در این پژوهش سعی شده است قلمرو مکانی که شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران هستند، تماماً ویژگی های زیر را دارا باشند:

(جدول ۲) چهار گروه نسبت های مالی

نقدینگی	فعالیت	مالی	سودآوری
۱- نسبت جاری	۱- نسبت دوره واریز بستانکاران	۱- نسبت اهرمی	۱- نسبت بازده سرمایه
۲- نسبت سریع (آنی)	۲- نسبت گردش موجودی کالا	۲- نسبت سرمایه	۲- نسبت بازده دارایی ها
	۳- نسبت گردش جاری		۳- نسبت سود عملیاتی
	۴- نسبت گردش غیر جاری		۴- نسبت حاشیه سودخالص

آنها در دسترس نیست، لذا دارایی های ثابت کلیه شرکت‌های نمونه، برای ده سال (سالهای ۱۳۸۲ الی ۱۳۹۱) طبق رابطه زیر تعدیل گردیدند:

برای همگن سازی دارایی های ثابت تاریخی، از آنجایی که دارایی های ثابت شرکتها در ایران بر اساس جدول استهلاک موضوع ماده ۱۵۱ قانون مالیاتهای مستقیم مستهلاک می گردد، و از طرفی تاریخ دقیق تحصیل و تغییرات مربوط به

= مبلغ تعدیل شده دارایی های ثابت در تاریخ ترازنامه

$$\frac{\text{شاخص تاریخ ترازنامه}}{\text{شاخص سال ۱۳۸۲}} \times \text{مانده سال ۱۳۸۲} + \frac{\text{شاخص تاریخ ترازنامه}}{\text{متوسط شاخص سال ایجاد}} \times \text{مانده های ایجاد شده هر سال} \quad (۱۳)$$

همگن سازی استهلاک انباشته به صورت زیر صورت گرفته است:

$$\text{مبلغ تعدیل شده دارایی ثابت} \times \frac{\text{استهلاک انباشته تاریخی}}{\text{دارایی ثابت (تاریخی)}} = \text{استهلاک انباشته تعدیل شده} \quad (۱۴)$$

مورد عمل تهیه وبه همان نسبت تعدیل شده است. موجودی کالای اول و پایان دوره به ترتیب بر اساس شاخص اول و میانگین طی سال تعدیل شدند. برای تعدیل سرمایه گذاری ها و سایر دارایی ها از رابطه زیر استفاده شده است:

تحقق هزینه ها، خرید و فروش ها بطور یکنواخت در طی سال در نظر گرفته شده است، لذا متوسط شاخص در سال بکار رفته است. هزینه استهلاک هر سال به نسبت بهای تمام شده دارایی های قبلی و دارایی های خریداری شده در طی سال

(۱۵)

$$\text{مبلغ تعدیل شده در تاریخ ترازنامه} = \frac{\text{شاخص تاریخ ترازنامه}}{\text{متوسط شاخص سال ایجاد}} \times \text{مانده های ایجاد شده هر سال}$$

بهای تمام شده کالای فروش رفته بصورت زیر تعدیل شده است: (۱۶)

$$\text{بهای تمام شده کالای فروش رفته تعدیلی} = \text{بهای تمام شده کالای} \times \frac{\text{هزینه استهلاک تاریخی} - \text{بهای تمام شده کالای فروش رفته تاریخی}}{\text{هزینه استهلاک} + \text{شاخص ابتدای سال}} \quad (۱۶)$$

گرفت. طبق نتایج حاصل از آزمون نرمالیتی، sig بدست آمده متغیرها بزرگتر از ۰/۰۵ بوده بنابراین داده ها از توزیع نرمال برخوردار می باشند. در این پژوهش آماره مورد نیاز (-t) Student) به عنوان مبنای پذیرش یا رد فرضیه ها از طریق آزمون مقایسه زوجی قرار گرفته است. از آنجایی که دو جامعه مورد آزمون، یکسان هستند، از این رو برای مقایسه این دو جامعه از «آزمون مقایسه زوجها» و از آماره t استفاده می شود. آزمون یک فرض آماری عبارت است از به کارگیری مجموعه قواعد مشخص برای آنکه تعیین کنیم فرض صفر را بپذیریم و یا آن را به نفع مقابل رد کنیم. از این رو فرض صفر و فرض خلاف پژوهش حاضر به صورت زیر می باشد:

هزینه های جذب نشده، پاداش هیئت مدیره، سودوزیان سنواتی، مالیات و عوارض و تخصیص سود به دلیل وقوع در پایان سال مالی، تعدیل نمی شوند. کلیه اقلام پولی مشتمل بر حسابها و اسناد دریافتنی، موجودی نقدوبانک، حسابها و اسناد پرداختنی و پیش دریافتها، تسهیلات مالی دریافتی، ذخیره مالیات و عوارض بردرآمد، بدهی های بلندمدت و ذخیره سنوات خدمت تعدیل نمی گردند. برای انعکاس آثار تورم بر اقلام پولی، سود(زیان) نگهداری اقلام پولی(قدرت خرید) محاسبه گردید.

برای تجزیه و تحلیل آماری پژوهش، در گام نخست آزمون نرمالیتی متغیرهای پژوهش در دو بخش تاریخی و همگن (۲۴ متغیر) از طریق آزمون کلموگروف اسمیرونوف مورد آزمون قرار

فرضیه ۸: بین نسبت های سرمایه بر مبنای ارزش های تاریخی در مقایسه با نسبت های سرمایه بر مبنای ارزش های ثبت شده تاریخی همگن تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه ۹: بین نسبت بازده سرمایه بر مبنای ارزش های تاریخی در مقایسه با نسبت بازده سرمایه بر مبنای ارزش های ثبت شده تاریخی همگن تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه ۱۰: بین نسبت بازده دارایی ها بر مبنای ارزش های تاریخی در مقایسه با نسبت بازده دارایی ها بر مبنای ارزش های ثبت شده تاریخی همگن تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه ۱۱: بین نسبت سود عملیاتی بر مبنای ارزش های تاریخی در مقایسه با نسبت سود عملیاتی بر مبنای ارزش های ثبت شده تاریخی همگن تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه ۱۲: بین نسبت حاشیه سودخالص بر مبنای ارزش های تاریخی در مقایسه با نسبت حاشیه سود خالص بر مبنای ارزش های ثبت شده تاریخی همگن تفاوت معناداری وجود دارد.

۶- یافته های پژوهش

یافته ها حاکی از این است که در نسبت های مالی محاسبه شده به بهای تاریخی شامل نسبت های جاری، واریز بستانکاران، گردش غیرجاری، اهرمی، سرمایه، بازده سرمایه، بازده دارایی ها، سود عملیاتی و حاشیه سود خالص در مقایسه با نسبت های محاسبه شده از روی صورتهای مالی تعدیل شده، تفاوت معناداری مشاهده گردید. برای نسبت های سریع، گردش موجودی کالا و گردش جاری تفاوت معناداری مشاهده نشد.

محاسبه سود یا زیان قدرت خرید ناشی از ارقام پولی، سود خالص تاریخی شرکت را تحت تأثیر قرار می دهد. جهت انعکاس آثار تورم بر ارقام پولی، سود (زیان) قدرت خرید ارقام پولی برای تمامی شرکت ها محاسبه گردید. بر اساس آن، شرکت هایی که تفاوت دارایی های پولی و بدهی های پولی آنها منفی بود (خالص وضعیت پولی منفی)، در شرایط تورم از نگهداری ارقام پولی منتفع گردیدند. در این پژوهش، مشخص گردید شرکت هایی که دارای بدهی های پولی بیشتری نسبت به دارایی های پولی بودند، در محاسبه سود (زیان) قدرت خرید ارقام پولی نسبت به سایر شرکتها منتفع گردیدند. همانطور که فرضیه اول، وجود تفاوت معنی دار در نسبت های جاری محاسبه شده بر مبنای بهای تاریخی در مقایسه با بهای تاریخی همگن را عنوان می دارد، بر این اساس، یافته های آزمون فرضیه اول وجود چنین تفاوتی را تأیید می نماید. بدان معنا که

تفاوت معنی داری بین دو گروه نسبت های مالی وجود ندارد $H_0 : (d = 0)$
تفاوت معنی داری بین دو گروه نسبت های مالی وجود دارد $H_1 : (d \neq 0)$

با فرض یک نمونه n تایی که رفتار هر عضو آن، قبل و بعد از دوره مشخص، به صورت جفت (x_i, y_i) و $(d_i = x_i - y_i)$ باشد، فرض های آماری، آماره آزمون و ناحیه رد آن به صورت زیر خواهد بود:

$$t_{n-1} = \frac{\bar{d}-0}{\frac{s_d}{\sqrt{n}}}$$

ناحیه رد فرض صفر $(H_0 : d = 0)$: (۱۸)

$$> t_{\frac{\alpha}{2}, n-1} \left| t_{\frac{\alpha}{2}} \right|$$

۵- فرضیات پژوهش

فرضیه های مطرح شده پژوهش شامل ۱۲ فرضیه مرتبط با ۴ گروه نسبت های مالی به شرح زیر می باشد:

فرضیه ۱: بین نسبت های جاری بر مبنای ارزش های تاریخی در مقایسه با نسبت های جاری بر مبنای ارزش های ثبت شده تاریخی همگن تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه ۲: بین نسبت های سریع بر مبنای ارزش های تاریخی در مقایسه با نسبت های سریع بر مبنای ارزش های ثبت شده تاریخی همگن تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه ۳: بین نسبت های بدهی (واریزبستانکاران) بر مبنای ارزش های تاریخی در مقایسه با نسبت های بدهی بر مبنای ارزش های ثبت شده تاریخی همگن تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه ۴: بین نسبت گردش موجودی کالا بر مبنای ارزش های تاریخی در مقایسه با نسبت های گردش موجودی کالا بر مبنای ارزش های ثبت شده تاریخی همگن تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه ۵: بین نسبت های گردش جاری بر مبنای ارزش های تاریخی در مقایسه با نسبت های گردش جاری بر مبنای ارزش های ثبت شده تاریخی همگن تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه ۶: بین نسبت گردش غیر جاری بر مبنای ارزش های تاریخی در مقایسه با نسبت های گردش غیر جاری بر مبنای ارزش های ثبت شده تاریخی همگن تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه ۷: بین نسبت اهرمی بر مبنای ارزش های تاریخی در مقایسه با نسبت های اهرمی بر مبنای ارزش های ثبت شده تاریخی همگن تفاوت معناداری وجود دارد.

رفته، موجودی کالای اول و آخر دوره می باشد، اما متوسط بستانکاران که در مخرج کسر قرار می گیرد، تعدیل نمی شود. بنابراین هرگونه افزایش در صورت کسر باعث افزایش در نتیجه نسبت خواهد شد. در این نسبت، موجودی کالای اول دوره از بهای تمام شده کالای فروش رفته، کسر و سپس موجودی کالای آخر دوره به آن اضافه می گردد تا خرید های انجام شده طی دوره بدست آید، نتیجه بدست آمده بر متوسط بستانکاران تقسیم می شود. از آنجایی که خریدهای طی دوره بر مبنای شاخص متوسط سال تعدیل می شوند، بنابراین دوره گردش بستانکاران افزایش خواهد یافت. با توجه به نتایج فوق، فرضیه سوم مبنی بر وجود تفاوت معنی دار بین نسبتهای بدهی(دوره واریز بستانکاران) دو گروه، پذیرفته می گردد.

در نتایج آزمون فرضیه چهارم (بررسی ۵ ساله) هیچ گونه تفاوت معنی داری مشاهده نگردید بنابراین فرضیه چهارم رد می شود. چنین نتیجه گیری می شود که اجرای حسابداری تغییر قیمت ها، بر نسبت گردش موجودی کالا که حاصل تقسیم بهای تمام شده کالای فروش رفته بر میانگین موجودی های کالا می باشد تأثیر با اهمیتی نداشته است.

برای نسبت گردش جاری که حاصل تقسیم درآمد فروش بر متوسط دارایی های جاری می باشد، پس از همگن سازی صورتهای مالی تاریخی، هیچ گونه اختلافی در مقایسه با پیش از انعکاس اثرات تورم بر اقلام صورتهای مالی مشاهده نگردید، بطوری که صورت و مخرج کسر بر یکدیگر اثر خنثی کننده داشته اند.

از نتایج آزمون آماری مرتبط با فرضیه ششم، که وجود تفاوت معنی دار بین نسبت های گردش غیرجاری بر مبنای بهای تاریخی را در مقایسه با بهای تاریخی همگن بیان می دارد چنین نتیجه گیری می شود، از آنجایی که دارایی های ثابت، یکی از با اهمیت ترین اقلام غیرپولی در گروه دارایی های غیرجاری قلمداد می گردد، بنابراین تعدیل آن ناشی از انعکاس اثرات تورم در مانده های این اقلام، تفاوت چشمگیری در مقایسه با بهای تمام شده تاریخی آن خواهد داشت. با بررسی دقیق تر نتایج سالانه این فرضیه، نسبت های گردش غیرجاری محاسبه شده به بهای تاریخی بیشتر از نسبت های تعدیل شده هستند؛ بدان معنا که تورم و همگن سازی صورتهای مالی باعث کاهش نسبت گردش غیر جاری می گردد. این نتیجه در میانگین نسبتهای تاریخی و تعدیل شده ۵ ساله نیز نشان می دهد که از ۳,۸۶۵ به ۳,۲۵۶ کاهش داشته است. این نسبت که حاصل تقسیم فروش ها به میانگین دارایی های ثابت است، با افزایش ارزش دارایی های ثابت در دوران

در نسبت های جاری موجودی کالا، سفارشات و پیش پرداخت ها (به استثناء اقلامی که ماهیت سپرده دارند) جزء اقلام غیرپولی شناخته شده و در حسابداری تغییر قیمت ها (همگن سازی) تعدیل می شوند. بنابراین موجودی های کالا از با اهمیت ترین اقلام دارایی های جاری قلمداد گردیده و تعدیل آن موجب تفاوت نسبت های جاری دو گروه می گردد. نسبت جاری، پوشش بدهی های جاری را از محل دارایی های جاری نشان می دهد. نتایج حاکی از این است که نسبتهای جاری محاسبه شده بر مبنای بهای تاریخی، به مراتب کمتر از نسبتهای محاسبه شده پس از تعدیل صورتهای مالی هستند. بنابراین می توان چنین نتیجه گیری کرد که وجود (افزایش) تورم، موجب افزایش دارایی های غیرپولی (همچون موجودی های کالا که در صورت کسر جای دارد)، گردیده و در نهایت باعث افزایش نسبت جاری می گردد. در بررسی سالانه نسبت های جاری، بجز سال ۱۳۸۸، نسبت های جاری دو گروه تفاوت معنی داری را نشان می دهند. تورم سال ۱۳۸۸، در مقایسه با سالهای ۸۷، ۸۹، ۹۰ و ۹۱، با نرخ ۱۰,۸ درصد پایین ترین نرخ تورم را داراست، و احتمالاً چنین عدم تغییری، معلول پایین بودن نرخ تورم نسبت به سال های دیگر باشد. بنابراین فرضیه اول پذیرفته می شود.

از نتایج آزمون آماری مرتبط با فرضیه دوم، که وجود تفاوت معنی دار بین نسبتهای سریع (آنی) دو گروه را بیان می دارد، چنین تحلیل می شود که در نسبت سریع، موجودی های کالا از جمع دارایی های جاری حذف (تا دارایی های آنی بدست آید) و پس از آن بر جمع بدهی های جاری تقسیم می گردد، عدم تفاوت معنی دار بین دو گروه، همین مورد می باشد؛ به عبارت دقیق تر، بدهی های جاری به دلیل پولی بودن و یا وقوع در پایان سال مالی، تعدیل نمی شوند، و از سوی دیگر حذف عمده ترین عنصر تعدیلی (موجودی کالا) از جمع دارایی های جاری، باعث می گردد که فرضیه دوم مبنی بر وجود تفاوت بین نسبت های دو گروه رد گردد.

نتایج آزمون آماری مرتبط با فرضیه سوم نشان داد که در نسبت دوره واریز بستانکاران محاسبه شده بر مبنای صورتهای مالی تاریخی، در مقایسه با دوره واریز بستانکاران بر مبنای بهای تاریخی همگن، اختلاف با اهمیتی وجود دارد. در بررسی سالانه نسبت واریز بستانکاران، بجز سال ۸۷ و ۸۸، نسبتهای محاسبه شده دو گروه تفاوت معنی دار را نشان می دهند. میانگین نسبت های سالانه نشان می دهد که در دوره های تورمی، گردش واریز بستانکاران، بر مبنای بهای تاریخی به مراتب کمتر از بهای تاریخی همگن می باشد. اقلامی که در این نسبت تعدیل می شوند شامل بهای تمام شده کالای فروش

تورمی (افزایش بیش از اندازه مخرج کسر)، این نسبت با کاهش روبه رو خواهد شد.

در نتایج آزمون آماری مرتبط با فرضیه هفتم، که وجود تفاوت معنادار بین نسبتهای اهرمی دو گروه تاریخی و همگن را بیان می دارد، اختلاف معنی داری مشاهده گردید. نسبت اهرمی از تقسیم بدهی های بلندمدت بر حقوق صاحبان سرمایه بدست می آید. از آنجایی که مخرج کسر در اثر همگن سازی افزایش خواهد یافت بر این اساس نسبتهای اهرمی محاسبه شده بر مبنای اطلاعات تعدیلی کاهش را نشان دادند. نتایج آماری حاکی از این است که اختلاف با اهمیتی در این دو گروه نسبت ها وجود دارد. بررسی سالانه نسبت های اهرمی، بجز سال ۱۳۸۹، حاکی از وجود تفاوت معنی دار بین دو گروه نسبت های اهرمی است. با مطالعه دقیق تغییرات نسبتهای اهرمی طی این ۵ سال، تمامی نسبت های محاسبه شده از صورتهای مالی تعدیل شده کمتر از نسبت های اهرمی تاریخی هستند. به بیان دیگر، هنگامی که نرخ تورم از ۲۱٫۵ درصد در سال ۹۰ که میانگین نسبت های اهرمی تاریخی برای ۳۸ شرکت مورد بررسی، ۲۲ درصد است پس از تعدیل، این نسبت به ۱۱ درصد کاهش می یابد و در ادامه هنگامی که نرخ تورم در سال ۹۱ به میزان ۳۰٫۵ درصد می رسد، میانگین نسبت های اهرمی تاریخی ۲۶ درصد و میانگین نسبتهای اهرمی تعدیلی به ۱۰ درصد کاهش یافته است. بنابراین چنین نتیجه گیری می شود که با افزایش نرخ تورم، اقلام صورتهای مالی تغییرات بیشتری را پس از همگن سازی خواهد داشت که در خصوص این فرضیه، افزایش نرخ تورم، باعث کاهش نسبت های اهرمی گردیده است.

نتایج آزمون آماری مرتبط با فرضیه هشتم، که وجود تفاوت معنی دار بین نسبتهای سرمایه دو گروه تاریخی و همگن را بیان می دارد، اختلاف معنی داری مشاهده گردید. از آنجایی که نسبت سرمایه، حاصل تقسیم حقوق صاحبان سرمایه بر جمع دارایی ها، و جمع دارایی ها متشکل از اقلام پولی و غیرپولی است بنابراین هم صورت و هم مخرج کسر (اقلام غیرپولی)، تعدیل می شوند. بر این اساس در نتایج آماری تفاوت معنی داری در این نسبت ها مشاهده گردید؛ به طوری که نسبتهای سرمایه محاسبه شده بر مبنای بهای تمام شده تاریخی کمتر از نسبت های سرمایه در صورتهای مالی تعدیل شده هستند، و این تغییرات در جهتی است که با افزایش نرخ تورم، نسبت های سرمایه بر مبنای بهای تاریخی همگن افزایش می یابند. با توجه به موارد فوق، فرضیه هشتم پذیرفته می شود.

در نتایج آزمون آماری مرتبط با فرضیه نهم، که وجود تفاوت معنادار بین نسبتهای بازده سرمایه دو گروه تاریخی و همگن را بیان می دارد، اختلاف معنی داری مشاهده گردید، به طوری که در تمامی سالهای مورد مطالعه، نسبتهای بازده سرمایه به سبب تعدیل صورتهای مالی، کاهش با اهمیتی را نشان می دهند. صاحبان سهام نسبت بازده سرمایه را مهم تر از سایر نسبت ها می دانند، زیرا نشاندهنده نتایج حاصل از سرمایه گذاری آنها می باشد. این نسبت حاصل تقسیم سودخالص بر ارزش ویژه شرکت است؛ یکی از دلایل عمده کاهش این نسبت هنگامی است که در اثر همگن سازی صورتهای مالی تاریخی، صورت کسر که سود خالص است، کاهش یافته، در نتیجه نسبت بازده سرمایه کاهش می یابد. بنابراین، طبق نتایج آزمون آماری فرضیه نهم، بین دو گروه نسبت ها تفاوت معنی داری مشاهده گردید، از این رو فرضیه نهم مورد پذیرش قرار می گیرد.

در نتایج آزمون آماری مرتبط با فرضیه دهم، که وجود تفاوت معنادار بین نسبت بازده دارایی های دو گروه تاریخی و همگن را بیان می دارد، اختلاف معنی داری مشاهده گردید، به طوری که به استثناء سال ۹۱، مابقی سالهای مورد مطالعه، نسبت بازده دارایی ها به سبب تعدیل صورتهای مالی، کاهش با اهمیتی را نشان می دهند. نسبت بازده دارایی ها، حاصل تقسیم سودخالص بر جمع دارایی های شرکت است؛ یکی از دلایل عمده کاهش این نسبت هنگامی است که در اثر همگن سازی صورتهای مالی تاریخی، صورت کسر که سود خالص است، کاهش یافته، در نتیجه نسبت بازده دارایی ها کاهش می یابد. بنابراین، طبق نتایج آزمون آماری فرضیه دهم، بین دو گروه نسبت ها تفاوت معنی داری مشاهده گردید، از این رو فرضیه دهم پذیرفته می شود.

فرضیه یازدهم، وجود تفاوت معنادار بین نسبتهای سودعملیاتی دو گروه تاریخی و همگن را بیان می دارد، و این نسبت که حاصل تقسیم سودعملیاتی بر درآمد فروش می باشد، پس از همگن سازی صورتهای مالی تاریخی، به دلیل کاهش سود شرکتهای مورد مطالعه، کاهش با اهمیتی را نشان دادند. نتایج آزمون نشان می دهد که میانگین نسبتهای سودعملیاتی ۵ ساله شرکتهای مورد بررسی به بهای تاریخی ۰٫۲۲۲ بوده که پس از همگن سازی، این نسبت ۰٫۲۰ بدست آمده است. در نتایج سالانه این نسبت نشان می دهد که به استثناء سالیان ۸۹ و ۹۰، که نرخ تورم پایین بوده، کاهش کمتری در مقایسه با سالهای دیگر داشته است. از این رو فرضیه یازدهم پذیرفته می شود. نتایج آزمون آماری مرتبط با فرضیه دوازدهم، که وجود تفاوت معنادار بین نسبتهای حاشیه

خالص شرکت ها کاهش و در نتیجه نسبت بازده فروش نیز کاهش می یابد. بنابراین، طبق نتایج آزمون آماری فرضیه دوازدهم، بین دو گروه نسبت ها تفاوت معنی داری وجود دارد، از اینرو فرضیه دوازدهم پذیرفته می گردد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه های پژوهش به صورت کلی را می توان در قالب جدول زیر خلاصه نمود.

سودخالص(بازده فروش) دو گروه تاریخی و همگن را بیان می دارد، تفاوت معنی داری مشاهده گردید. به طوری که در تمامی سالهای مورد مطالعه، نسبتهای حاشیه سودخالص (بازده فروش) به سبب تعدیل صورتهای مالی، کاهش با اهمیتی را نشان می دهند. این نسبت که نشان می دهد از هر یک ریال فروش، چه میزان سود خالص به دست آمده است در دوران افزایش سطح عمومی قیمت ها، با افزایش نرخ تورم، سود

(جدول ۳) خلاصه نتایج بدست آمده از آزمون فرضیه ها (مقایسه زوجی نسبت ها)

ردیف	فرضیه	آماره های آزمون				
		α	n	مقدار t	مقدار sig	نتیجه
۱	بین نسبتهای جاری بر مبنای تاریخی در مقایسه با همگن تفاوت معناداری وجود دارد.	۰/۰۵	۳۸	-۶/۹۸۵	۲/۰۳	پذیرش
۲	بین نسبتهای سریع بر مبنای تاریخی در مقایسه با همگن تفاوت معناداری وجود دارد.	۰/۰۵	۳۸	-۱/۴۷۷	۲/۰۳	رد
۳	بین نسبت واریز بستانکاران بر مبنای تاریخی در مقایسه با همگن تفاوت معناداری وجود دارد.	۰/۰۵	۳۸	-۳/۳۹۱	۲/۰۳	پذیرش
۴	بین گردش موجودی کالا بر مبنای تاریخی در مقایسه با همگن تفاوت معناداری وجود دارد.	۰/۰۵	۳۸	-۰/۰۴۳	۲/۰۳	رد
۵	بین نسبت گردش جاری بر مبنای تاریخی در مقایسه با همگن تفاوت معناداری وجود دارد.	۰/۰۵	۳۸	۰/۴۴۸	۲/۰۳	رد
۶	بین نسبت گردش غیر جاری بر مبنای تاریخی در مقایسه با همگن تفاوت معناداری وجود دارد.	۰/۰۵	۳۸	۳/۰۲۹	۲/۰۳	پذیرش
۷	بین نسبت اهرمی بر مبنای تاریخی در مقایسه با همگن تفاوت معناداری وجود دارد.	۰/۰۵	۳۸	۳/۴۶۸	۲/۰۳	پذیرش
۸	بین نسبت سرمایه بر مبنای تاریخی در مقایسه با همگن تفاوت معناداری وجود دارد.	۰/۰۵	۳۸	-۷/۱۵۸	۲/۰۳	پذیرش
۹	بین نسبت بازده سرمایه بر مبنای تاریخی در مقایسه با همگن تفاوت معناداری وجود دارد.	۰/۰۵	۳۸	۱۰/۵۸۵	۲/۰۳	پذیرش
۱۰	بین نسبت بازده دارایی ها بر مبنای تاریخی در مقایسه با همگن تفاوت معناداری وجود دارد.	۰/۰۵	۳۸	۳/۷۹۵	۲/۰۳	پذیرش
۱۱	بین نسبت سودعملیاتی بر مبنای تاریخی در مقایسه با همگن تفاوت معناداری وجود دارد.	۰/۰۵	۳۸	۳/۶۲۰	۲/۰۳	پذیرش
۱۲	بین نسبت بازده فروش بر مبنای تاریخی در مقایسه با همگن تفاوت معناداری وجود دارد.	۰/۰۵	۳۸	۷/۹۷۰	۲/۰۳	پذیرش

۶- نتیجه گیری و بحث

با توجه به نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آماری اطلاعات جمع آوری شده، چنین تحلیل می شود که تورم تأثیر انکار ناپذیری بر صورتهای مالی تهیه شده بر مبنای بهای تمام شده تاریخی دارد. هدف گزارشگری مالی ارائه اطلاعات مالی مربوط، قابل اتکاء و صحیح برای مدیران، سرمایه گذاران، اعتبار دهندگان، دولت و سایر استفاده کنندگان از اطلاعات مندرج در صورتهای مالی می باشد به نحوی که تمامی تصمیم گیرندگان را در جهت اتخاذ تصمیم و بهبود شرایط انتخاب، یاری رساند. تورم، یکی از واقعیت هایی است که واحد اندازه گیری در حسابداری و بهای تمام شده تاریخی را به چالش می کشد. یکی از راه های انجام تجزیه و تحلیل مالی، از طریق بررسی انواع نسبت های مالی و روندها، که بر اطلاعات تاریخی تمرکز دارند، صورت می گیرد. از آنجایی که نسبت های مالی از اقلام مندرج در ترازنامه و صورت سودوزیان واحد تجاری استخراج و محاسبه می شود، بنابراین، با همگن سازی صورتهای مالی

تاریخی، در برخی از نسبت های مالی کلیدی، تفاوت چشمگیری نسبت به اقلام تاریخی شاهد هستیم. یافته های فرضیه های اول، دوم، سوم، چهارم، پنجم، ششم و هشتم با یافته های پژوهشات کاراپینر وهمکاران (۲۰۱۲) مطابقت دارد اما نتایج فرضیه های هفتم و نهم الی دوازدهم با یافته های پژوهش کاراپینر مطابق نمی باشد. همچنین یافته های فرضیه های اول، دوم، سوم، چهارم، نهم، دهم و دوازدهم با نتایج پژوهش سنپ (۲۰۱۲) مطابقت دارد و یافته های فرضیه نهم با پژوهش های انجام شده باسا (۱۹۷۶)، باسنز (۱۹۷۷)، تاراسفسکی وهمکاران (۱۹۸۱) مطابقت دارد. باتوجه به اهمیت تورم و بویژه تأثیر آن بر اقلام مندرج در صورتهای مالی که این پدیده گزارشگری مالی بر مبنای بهای تمام شده تاریخی را خدشه دار می کند، بنظر می رسد انجام مطالعات بیشتر و با در نظر گرفتن جوانب دیگر به روشن شدن این موضوع کمک کند. آنچه پیشنهاد می شود شامل موارد زیر است:

شود است، توانایی سیستم حسابداری شرکتها و تمایل مدیران در انعکاس آثار تورم می تواند مورد پژوهش قرار گیرد.

تشکر و قدردانی

"کلیه اعتبار مالی پژوهش حاضر، توسط معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات آیت الله آملی تامین شده است."

فهرست منابع

- * اصول و ضوابط حسابداری و حسابرسی: استانداردهای حسابداری (۱۳۹۲)، کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، تهران: سازمان حسابرسی.
- * اکبری فضل الله (۱۳۹۰)، تجزیه و تحلیل صورتهای مالی، چاپ پانزدهم، مرکز پژوهشات تخصصی حسابداری و حسابرسی، نشریه ۱۲۹، تهران: سازمان حسابرسی.
- * تیموری حبیب الله (۱۳۷۷)، حسابداری تغییر قیمت ها، چاپ دوم، مرکز پژوهشات تخصصی حسابداری و حسابرسی، نشریه ۱۰۰، تهران: سازمان حسابرسی.
- * دستگیر محسن، امیدعلی محسن، (۱۳۸۳)، بررسی موانع استفاده از حسابداری تورمی در ایران، بررسی های حسابداری و حسابرسی، سال ۱۱، شماره ۳۵.
- * دستگیر محسن، نیکزاد چالش تری قدرت اله، (۱۳۸۷)، بررسی رابطه بین اطلاعات مندرج در صورتهای مالی مبتنی بر بهای تمام شده تاریخی و اطلاعات مندرج در صورتهای مالی مبتنی بر ارزشهای جاری .
- * رویایی رضانعلی، (۱۳۷۲)، سمینار حسابداری تورمی و توسعه حسابداری در ایران، سومین سمینار حسابداری ایران، نشریه حسابدار، سال نهم، شماره ۵۶.
- * رویایی رضانعلی، (۱۳۷۱)، حسابداری تورمی . صورتهای مالی تعدیل شده»، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و پژوهشات.
- * ریاحی بلکویی احمد (۱۳۹۱)، تئوری های حسابداری، ترجمه پارسائیان علی، چاپ دوم، تهران، انتشارات ترمه.
- * رهنمای رودپشتی فریدون، نیکومرام، هاشم . شاهوردیانی، شادی (۱۳۹۰) مدیریت مالی راهبردی مبتنی بر مدیریت ریسک. تهران: انتشارات حکیم باشی، چاپ اول.
- * ساسانی محمود، (۱۳۷۵)، صورتهای مالی تعدیل شده بر اساس شاخص عمومی قیمت ها و تأثیر آن بر تصمیم گیری های اقتصادی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی.

- (۱) آگاهی مدیران مالی، استفاده کنندگان و تصمیم گیرندگان بالقوه از پدیده تورم و آثار مخرب آن و همچنین آگاهی از راه کارها و تدابیر موجود می تواند به نحو چشمگیری گزارشگری مالی را مربوط تر و تصمیم گیری ها را در مسیر دقیق و موثرتری هدایت نماید.
 - (۲) تورم حاد و تنش های موجود در اقتصاد که بر افزایش شتابان قیمت ها دامن می زند، وجود استاندارد حسابداری تغییر قیمت ها را ضروری می نمایاند.
 - (۳) یک واحد حسابداری (واحد تجاری) صرف نظر از اینکه گزارشگری مالی در شرایط تورمی بر تصمیم گیری استفاده کنندگان صورتهای مالی موثر است یا خیر، می بایست حقایق موجود در محیط اقتصادی همچون رکود یا تورم را به نحوی شایسته منعکس نماید.
 - (۴) شرکتها در اجرای حسابداری تغییر قیمتها می بایست از سیستم حسابداری و اداری قوی و منظم در جهت دستیابی به اهداف گزارشگری مالی در شرایط تورمی برخوردار باشند و ملاحظات هزینه منفعت را نیز مدنظر قرار دهند.
 - (۵) در دوران تورم، داشتن خالص وضعیت پولی منفی (دارایی های پولی کمتر از بدهی های پولی)، شرکتها را به سود ناشی از نگهداری ارقام پولی نزدیک می کند.
- در این پژوهش، همگن سازی بر اساس شاخص سطح عمومی قیمت ها صورت پذیرفته است که این روش همان بهای تمام شده است با این تفاوت که ارزش پول در مقاطع مختلف دچار تغییر (کاهش) می گردد، بنابراین می توان از روش های دیگر همچون ارزش جاری موضوع تأثیر تورم را بر نسبتهای مالی بررسی نمود. پیشنهاد می شود پژوهشی با موضوع پژوهش حاضر، برای موسسات مالی و سرمایه گذاری نیز صورت گیرد. اساسی ترین بحث در همگن سازی، عامل تبدیل (شاخص تورم) است؛ نرخ تورم ایران که از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می گردد، بر اساس شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران است؛ از این رو در خصوص اعتبار و مربوط بودن استفاده از این شاخص در محاسبه تورم و مقایسه با سایر کشورها می تواند موضوع پژوهش دیگری در این حوزه باشد. از آنجایی که همگن سازی صورتهای مالی تاریخی بر مبنای شاخص سطح عمومی قیمت ها، با دشواری هایی رو به روست، و برای دستیابی به این امر، نیازمند اطلاعات دقیق رویدادهای مالی فراتر از آنچه در یادداشت های صورتهای مالی سالانه آورده می

- in Income and Wealth, Canadian Journal of Economics.
- * Frank k , Reilly . 1997 .The Impact of Inflation on ROE , Growth and Stock Prices , Financial Services Review . volume 6 . p 1-17 .
- * Holland, D. M. and Mayers, S. M. 1979. Trends in Corporate Profitability and Capital Costs, in R. Lindsey, ed., The Nation's Capital Needs: Three Studies, New York: Committee for Economic Development.
- * Heintz. J. A. 1973.Price-level Restated Financial Statements and Investment Decision Making , the Accounting Review, pp.679-99.
- * International Accounting Standard No. 29 .Financial Reporting in Hyperinflationary Economies. And , IAS 29, Technical Summary 2012.
- * John N.Myer.1978. Financial Statement Analysis, 3rd Edition rentice-Hall,1978,pp.5-6
- * Karapinar A. and Zaif F. .2005. Enflasyon Muhasebesinin Finansal Tablolar Analizine Etkisi, (The Effect of Inflation Accounting on Financial Statement Analysis) Yaklaşım Dergisi 26, 49-72.
- * McIntyre.E. 1973. Current Cost Financial Statement and Investment Decision Marking , The Accounting Review, pp. 575-85.
- * Paton William.Accounting Theory. Houston. Tx. Reprinted by Schoolars book co,1973, p427.
- * Silva T. 2002. Historical Cost and Price- Level Accounting , WWW.SSRN.Com.
- * Statement of Financial Accounting standards No. 33 , Financial Reporting and Changing Prices.
- * Sung soo kwon. 1993 .The Informativeness of Price-Level Adjusted Accounting Disclosures , Journal of Business Research . volume 26 . p 171 – 187 .
- * Statement of Financial Accounting standards No. 33 , Financial Reporting and Changing Prices.
- * Sweeney , Henry W.1936 .Stablized Accounting, 1936, (New York, Holt 1964), p.XX
- * Tarasofsky, A., Roseman, T. G. and Waslander, H. E., 1981. Ex Post Aggregate Real Rates of Return in Canada: 1947-76, Ottawa: Supply and Services for the Economic Council of Canada.
- * Wilcox J. A.1983. Why Real Interest Rates Were So Low in the 1970s, American Economic Review, March.
- * Wolk , Harry I.1997.Accounting Theory, p.403.
- * Yuji Ijiri .1985.Theory of Accounting Measurement. p11
- * ستایش محمدرضا، (۱۳۸۰)، بررسی تأثیر افشای اطلاعات حسابداری بر مبنای تورم بر روی قیمت سهام، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و پژوهشات.
- * شه رضایی، (۱۳۸۱)، بررسی تأثیر نسبتهای مالی تعدیل شده بر اساس آثار تورم بر تصمیمات استفاده کنندگان از اطلاعات مالی، پایان نامه به راهنمایی بهرامفر ، دانشگاه تهران.
- * عامری مجید، (۱۳۷۶)، تعدیل صورتهای مالی بر مبنای شاخص قیمت ها و اثرات آن بر رفتار استفاده کنندگان از اطلاعات حسابداری در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- * مؤمنی ملک‌شاه، (۱۳۷۹)، بررسی چگونگی تأثیر تقسیم سود بر اساس سود تعدیل شده مطابق تغییرات سطح عمومی قیمت ها بر وضعیت نقدینگی شرکتها، پایان نامه به راهنمایی دکتر فدایی نژاد ، دانشگاه شهید بهشتی.
- * نیکبخت محمدرضا، تنانی محسن، (۱۳۸۶)، ارتباط نسبت های سودآوری تعدیل شده بر اساس تورم با نرخ بازده سهام شرکتهای صنعت تصفیه ی نفت وپتروشیمی بورس اوراق بهادار تهران، پژوهشنامه ی علوم انسانی و اجتماعی «علوم اقتصادی»، سال هفتم، شماره ۲۴.
- * همتی حسن (۱۳۸۹)، مباحث جاری درحسابداری، چاپ هفتم، تهران : نشرترمه.
- * Akdoğan N., Aktas R. and Unal S .2009. Effect of Inflation Accounting on Financial Ratios: An Empirical Analysis of Non-Financial Firm Listed on Istanbul Stock Exchange. The Icfai University Journal of Accounting Researh 2, 47-62.
- * Basu, S. and Hanna, J. R. .1976 .Accounting for Changes in the General Purchasing Power of Money: The Impact on Financial Statements of Canadian Corporations for the Period 1967-74. Cost and Management, January- February issue.
- * Boadway R., Bruce N. and Mintz J.1984. Taxation, Inflation, and the Effective Marginal Tax Rate on Capital in Canada Canadian Journal of Economics ,February.
- * Bossens, J. 1977.The Impact of Inflation on Income and Financing of Large Non-Financial Corporations Toronto, Government of Ontario.
- * Campbell T.S. and, W.A. Kracaw .1993. Financial Risk Management. Harper Collins College Pub.
- * Chasteen, Lanny G.1992.Intermediate Accounting, Mc Graw Hill Book.
- * Cenap.2012. Exploring The Effects of Inflation on Financial Statements through Ratio Analysis , MacEwan University Edmonton Alberta.
- * Daily, D. J. 1985. Inflation, Inflation Accounting and Its Effect, Canadian Manufacturing, 1966-82, Journal of the International Association for Research

یادداشت‌ها

- 1 . Units of the Financial Currency Current
- 2 . Net Monetary Position
- 3 . Historical Cost – Nominal Dollars (HC-ND)
- 4 . Historical Cost – Constant Dollars (HC-CD)
- 5 . Current Cost – Nominal Dollars (CC-ND)

- 6 . Current Cost – Constant Dollars (CC-CD)
- 7 . Current Cost – Physical Capacity (CC-PC)
- 8 . Capital Maintenance Adjustment
- 9 . Chasteen(1992), "Intermediate Accounting". P.1138.
- 10 . Monetary and Non-Monetary Items
11. Purchasing Power Gain or Loss
12. James. A. Heintz
13. MacIntyre. E.
- 14 . Daily, D. J.
- 15 . Bossens, J., (1977), Basu, S. and Hanna, J. R., (1976), Tarasofsky, A., Roseman, T. G. and Waslander, H. E., (1981)
- 16 .(Feldstein , Summers, 1977) ,(Holland and Myers, 1979 ,(Nordhaus, 1975) ,(Tarasofsky, Roseman and Waslander, 1981) ,(Daly and MacCharles, 1982) ,(Wilcox, 83.)
17. Silva. T.
18. Karapinar A. and Zaif F
19. Akdoğan N., Aktas R. and Unal S.,
20. Cenap Ilter